

بررسی نظام مطابقه در کردی ایلامی^۱

زهرا شرفخانی^۲

دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

حبیب گوهری^۳

استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

اکبر عزیزی‌فر^۴

استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام

چکیده

زبان‌ها از سه سازوکار برای بازنمایی نقش‌های دستوری استفاده می‌کنند که عبارت‌اند از ترتیب سازه‌ها، حالت‌نمایی و مطابقه. در پژوهش حاضر نظام مطابقه و عوامل مؤثر بر آن در کردی ایلامی بررسی شده است. برای انجام این کار، از روش توصیفی، مصاحبه و ضبط صدای گویشوران بومی به منظور استخراج داده‌های لازم استفاده شده است. عوامل مؤثر بر مطابقه که گیون (۲۰۰۴) آن‌ها را بیان کرده است و همچنین روش کار دبیرمقدم (۱۳۹۲) به عنوان دو منبع مهم مورد استناد قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در کردی ایلامی از نظام مطابقه فاعل مفعولی برای بازنمایی روابط دستوری فاعل و مفعول استفاده می‌شود؛ همچنین مشخص شد که نظام مطابقه در کردی ایلامی گذرای محور و زمان محور نیست. دستاورد دیگر این است که در کردی ایلامی، مطابقه ابزار مهمی برای بازنمایی فاعل دستوری است ولی کاربرد مطابقه برای بازنمایی مفعول هم اختیاری است و هم متأثر از چندین عامل. از جمله عوامل مؤثر بر مطابقه پی‌بست‌های مفعولی با مفعول می‌توان به عوامل معرفگی - نکرگی، ارجاعی - غیر ارجاعی بودن، مبتدایی - غیر مبتدایی بودن، انضمامی - غیر انضمامی بودن اشاره کرد؛ در حالی که این عوامل در مطابقه مفعولی در کردی ایلامی تأثیرگذار هستند، اما در صورت‌بندی فاعل مؤثر نیستند. سرانجام اینکه در کردی ایلامی، نمود جملات و نقش‌های معنایی در نحوه مطابقه وندها و پی‌بست‌های نشانه مطابقه، عوامل تأثیرگذاری نیستند.

کلیدواژه‌ها: مطابقه، فاعلی - مفعولی، معرفگی - نکرگی، ارجاعی - غیر ارجاعی بودن، مبتدایی - غیر مبتدایی بودن، انضمامی - غیر انضمامی.

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۳

۲- پست الکترونیکی:

zhra.sharafkhani7847@gmial.com

۳- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

h_gowhary@yahoo.com

۴- پست الکترونیکی:

aazizifar2@gmial.com

زبان‌های مختلف از ابزارهای زبانی متنوعی برای بازنمایی نقش‌های دستوری بهره می‌گیرند. میزان و نحوه استفاده از این ابزارها می‌تواند مبنایی برای تعیین رده زبان‌ها باشد. در ابتدا این ابزارها در برخی منابع معتبر داخلی و خارجی معرفی می‌شود. گیون^۵ (۲۰۰۴) با تبعیت از کینن و کامری^۶ (۱۹۷۷) رویکردی را به منظور توصیف چگونگی صورت‌بندی نقش‌های دستوری ارائه کرده‌است که به ویژگی‌های بازنمایی صوری^۷ موسوم است. این رویکرد بازنمایی صوری نقش‌های دستوری را در قالب سه ابزار زبانی توالی سازه‌ها، صرف و مطابقه مورد بررسی قرار می‌دهد. افزون بر به‌کارگیری توالی سازه‌ها و حالت‌نمایی، برای بازنمایی نقش‌های دستوری، برخی زبان‌های دنیا از ویژگی مطابقه (به‌عنوان سازوکار سوّم) نیز بهره می‌گیرند تا نقش‌های دستوری فاعل و مفعول را بازنمایی کنند. واژه‌بست‌های ضمیری^۸ که گاهی نیز به وندهای مطابقه موسوم هستند، به‌منظور بیان مطابقه، ویژگی‌هایی مانند شخص، شمار و جنس نقش‌های دستوری را نشان می‌دهند. میزان استفاده از هرکدام از این ابزارها بستگی به ماهیت صرفی و نحوی آن زبان دارد؛ برای مثال در زبان فارسی از نشانه‌های مطابقه فاعلی نسبت به زبان انگلیسی بیشتر استفاده می‌شود؛ از طرف دیگر، در زبان انگلیسی توالی سازه‌ها نقش پررنگ‌تری در بازنمایی نقش‌های دستوری دارد (راسخ‌مهند، ۱۳۸۵).

به‌طورکلی، زبان‌هایی که دارای مطابقه قوی هستند ترتیب واژگانی انعطاف‌پذیرتری دارند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۵)؛ لذا، در این زبان‌ها توالی سازه‌ای ابزار قابل اعتمادی برای بازنمایی نقش‌های دستوری محسوب نمی‌شود. در مقابل، در زبان‌هایی که نظام مطابقه و تصریف در آن‌ها تقریباً وجود ندارد (زبان تحلیلی^۹ از قبیل چینی)، تنها ابزار مورد استفاده توالی سازه‌هاست. اصولاً در بیشتر زبان‌هایی که از مطابقه بهره می‌گیرند، مطابقه با فاعل حالت بی‌نشان است. اگر زبانی مطابقه مفعولی داشته باشد، بدون شک مطابقه فاعلی نیز دارد (راسخ‌مهند، ۱۳۸۵). فرل^{۱۰} (۲۰۰۵: ۲) این رویکرد را نشان‌دارکردن هسته^{۱۱} می‌نامد. اگر فعل (فعل کمکی) هسته جمله قلمداد شود، در این زبان‌ها فعل دارای نشانه‌های

5. T. Givón

6. E. Keenan & B. Comrie

7. overt coding properties

8. pronominal clitics

9. analytic

10. P. Farrel

11. head marking

صرفی است که برخی از ویژگی‌های موضوع‌های^{۱۲} فعلی (نقش‌های فاعل و مفعول) همانند شخص، شمار و جنس را نشان می‌دهد (فرل، ۲۰۰۵: ۲). پسوندهای فاعلی و پی‌بست‌های غیر فاعلی^{۱۳} زبان‌های ایرانی می‌توانند در این چارچوب مورد بررسی قرار گیرند. این عناصر بازگوکننده برخی خصوصیات نقش‌های دستوری مانند شخص و شمار هستند.

دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۷۳۷) نظام مطابقه را در چهار گویش کردی بانه، کردی سنندجی، کردی کلهری و کردی کرمانشانی مورد بررسی قرار داده‌است. دو گویش نخست متعلق به گروه کردی مرکزی (سورانی) هستند و دو گویش بعدی، متعلق به گروه کردی جنوبی. دبیرمقدم نظام مطابقه را در کردی بانه و کردی سنندج از نوع دوگانه زمان - محور^{۱۴} می‌داند. در فعل‌های زمان حال، نظام مطابقه فاعلی / مفعولی و در فعل‌های زمان گذشته نظام غیر فاعلی / مفعولی دیده می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۷۳۷). ایشان برای نظام غیر فاعلی مفعولی دوگانه (و گاه سه‌گانه) متصور است: نظام مطابقه کنایی مطلق و نظام مطابقه سه‌بخشی. بخش سوم را هم حالت مطلق - غیر فاعلی - غیر فاعلی می‌نامد. در مورد کردی کلهری و کردی کرمانشانی، دبیرمقدم (۱۳۹۲) این دو گویش را دارای نظام مطابقه فاعلی - مفعولی می‌داند. در عین حال، از لحاظ نظام حالت^{۱۵}، این چهار گویش دارای نظام خشی هستند، یعنی اسم و ضمیر در حالت‌های مختلف، صورت صرفی یکسانی دارند.

هیگ^{۱۶} (۲۰۰۸) در کتاب *تغییر انطباق در زبان‌های ایرانی* موضوع حالت‌نمایی و مطابقه را در زبان‌های ایرانی مورد بررسی قرار داده است. وی ابتدا زبان فارسی باستان و فارسی میانه را بررسی می‌کند و کردی شمال و کردی مرکزی (سورانی سلیمانیه) را در دو فصل مجزا، از لحاظ ویژگی‌های صرفی نحوی بررسی کرده‌است.

هیگ (۲۰۰۸) نظام مطابقه را در کردی شمال (کرمانجی)، کنایی^{۱۷} می‌داند. این نظام کنایی تنها در سطح صرف رخ می‌دهد؛ بر این اساس، فاعل لازم و مفعول با هم انطباق دارند و فاعل متعدی گذشته نیز به صورت غیر مستقیم (کنایی) تجلی می‌یابد. با این حال، هیگ (۲۰۰۸) از ساخت‌های نحوی مانند حذف به قرینه، نظارت بر انعکاسی‌ها، مجهول‌سازی و... شواهدی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد که فاعل

12. argument

13. oblique

14. split time sensitive

15. case – marking system

16. haig

17. ergative system

گذشته متعدی و فاعل لازم همانند فاعل حال متعدی در فرایندهای نحوی رفتار یکسانی در کردی کرمانجی دارند. او این‌گونه نتیجه می‌گیرد که ساخت کنایی در جملات متعدی گذشته در سطح نحو عملاً بی‌اعتبار است؛ به عبارت دیگر، کردی کرمانجی در سطح نحو مانند زبان‌های فاعلی - مفعولی رفتار می‌کند.

افراد زیادی دربارهٔ مطابقت پژوهش‌های ارزشمندی انجام داده‌اند که تنها به تعداد محدودی از آن‌ها اشاره شد. در این پژوهش و در مقام چارچوب نظری، گیون (۲۰۰۴) و دبیرمقدم (۱۳۹۲) دو منبعی هستند که در تعیین نظام مطابقت در کردی ایلامی به آن‌ها استناد شده است. دبیرمقدم (۱۳۹۲) به خاطر اینکه داده‌های فراوانی از گویش‌های اصلی زبان کردی را جمع‌آوری کرده است، منبع بسیار الهام‌بخشی برای نویسنده حاضر بوده است و به همین خاطر از شیوهٔ تحلیل ایشان در تحلیل داده‌های کردی ایلامی بهره گرفته شده است؛ همچنین در موقعیت‌های مختلف، نتایج پژوهش حاضر با نتایج دبیرمقدم مقایسه شده است؛ با این حال، در این نوشتار سعی شده است تحلیلی جامع‌تر از وضعیت مطابقت فاعلی و مفعولی در کردی ایلامی ارائه شود. درحالی‌که دبیرمقدم (۱۳۹۲) تنها به دو عامل گذرایی (لازم - متعدی)^{۱۸} و زمان و تأثیر آن‌ها در مطابقت پرداخته است، اما پژوهش حاضر عوامل دیگری را نیز در ارتباط با داده‌های کردی ایلامی مورد بررسی قرار داده است که این عوامل، برگرفته از گیون (۲۰۰۴) هستند.

گیون ارتباط این عوامل را با نحوهٔ مطابقت فاعلی و مفعولی و همچنین دربارهٔ نحوهٔ حالت‌دهی (نظام حالت) در زبان‌های مختلف به صورت پراکنده مورد اشاره قرار داده است. ایشان برای تأثیرپذیری هر کدام از این عوامل از یک زبان شاهد آورده است و همهٔ این عوامل را در یک زبان مشخص مورد بررسی قرار نداده است؛ برای مثال گیون (۲۰۰۴) برای تأثیر جهت بر روی مطابقت به زبان نرپسه^{۱۹} استناد می‌کند، درحالی‌که برای نشان‌دادن ارتباط با نقش‌های معنایی^{۲۰} در نحوهٔ مطابقت شواهدی از زبان چیکاسا^{۲۱} و نیالی^{۲۲} ارائه می‌کند. در جایی دیگر، برای عامل ارجاعی / غیر ارجاعی^{۲۳}، از زبان یوتا^{۲۴} شاهد می‌آورد. نگارنده سعی کرده است که این عوامل را به صورت مدون در مورد داده‌های کردی

18. transitivity

19. nez-perce

20. sematic rules

21. chickasaw

22. nepali

23. referential/ non-referential

24. Ute

ایلامی مورد بررسی قرار دهد. این مجموعه عوامل را می‌توان در مورد دیگر زبان‌های ایرانی یا غیر ایرانی به‌ویژه زبان‌هایی که دارای صرف دوگانه هستند به‌کار گرفت که انتظار می‌رود با نتایج حاصل از پژوهش حاضر متفاوت باشند. افزون بر دو عامل زمان و گذرایی که دبیرمقدم (۱۳۹۲) مورد بررسی قرار داده است، سایر عوامل مورد بررسی در نحوه مطابقه در کردی ایلامی عبارت‌اند از جهت،^{۲۵} معرفگی / نگرگی، نقش‌های معنایی فاعل و مفعول، مبتدایی‌بودن^{۲۶} فاعل و مفعول، ارجاعی‌بودن^{۲۷} نقش‌های دستوری، انضمام^{۲۸} و نمود^{۲۹}؛ به عبارت دیگر، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی وضعیت مطابقه (فاعلی و مفعولی) در کردی ایلامی و همچنین بررسی تأثیر عوامل بالا بر روی نظام مطابقه در این زبان است. برای تحقق این هدف داده‌هایی از کردی ایلامی و از گویشوران بومی این زبان به‌شیوه میدانی و از طریق مصاحبه گردآوری شده‌اند. حداقل از ده گویشور بومی تقاضا شده است تا به‌دقت به پرسش‌های پژوهش‌گر درباره صورت‌بندی نظام مطابقه پاسخ دهند. در مرکز استان، افراد بیشتر دارای گویش‌های متفاوتی از گویش ایلامی هستند، لذا سعی شده است کسانی انتخاب شوند که گویشور خود این گویش باشند و لهجه آن‌ها تحت تأثیر دیگر گویش‌ها نباشد؛ افزون بر این، خود پژوهش‌گر نیز گویشور بومی کردی ایلامی است که در تحلیل داده‌ها بسیار مؤثر بوده است.

۲- داده‌های کردی ایلامی

در ابتدا با استناد به داده‌هایی از گویش کردی ایلامی می‌خواهیم بدانیم آیا در کردی ایلامی به‌منظور نشان‌دادن نقش‌های دستوری از مطابقه استفاده می‌شود یا خیر.

۲-۱- مطابقه در فعل لازم

- 1) imæ xæf-im
we sleep-1 P³⁰.PL³¹
ما می‌خواهیم.
- 2) imæ xæf-t-im
We sleep-past-1 P.PL
ما خوابیدیم.

25. voice

26. topicality

27. referential

28. incorporation

29. aspect

30. person

31. plural

- 3) æwan xæf-Θn
they slee-1 P.PL
آنها می‌خوانند.
- 4) æwan xæf-t-Θn
they sleep-past-3 P.PL
آنها خوابیدند.

۲-۲- مطابقه در فعل متعددی

- 5) imæ ketaw-æ xwæn-im
we book-Def read-1 P.PL
ما کتاب را می‌خوانیم.
- 6) imæ ketaw-æ xwæn-es-im
they book-Def read-past-1 P.PL
ما کتاب را خواندیم.
- 7) owan ketaw-æ xwæn-Θn
they book-Def read-3 P.PL
آنها کتاب را می‌خوانند.
- 8) owan ketaw-æ xwæn-es-Θn
They book-Def read-past-3 P.PL
آنها کتاب را خواندند.

چهار جمله نخست لازم هستند و چهار جمله بعدی متعددی. چنانچه دیده می‌شود در همه مثال‌های بالا پسوندهای ضمیری (شناسه) فعلی از لحاظ شخص و شمار به فاعل ارجاع داده می‌شود. فاعل آن گروه اسمی است که با پسوندهای متصل فاعلی از لحاظ شخص، شمار و جنس مطابقه می‌کند؛ بنابراین، می‌توان گفت به‌طور کلی در کردی ایلامی از مطابقه برای نشان‌دادن فاعل استفاده می‌شود^{۳۲}؛ اما آیا در کردی ایلامی از مطابقه برای نشان‌دادن مفعول نیز استفاده می‌شود. در مثال‌های (۵-۸)، کتاب مفعول است، نه در زمان حال و نه در گذشته نشانه‌ای که بیانگر مطابقه با مفعول باشد وجود ندارد. اگرچه کردی ایلامی در بسیاری از موقعیت‌ها، نشانه مطابقه مفعولی ندارد، اما در برخی موقعیت‌ها همانند فارسی^{۳۳} از واژه‌بست‌هایی استفاده می‌شود، که از لحاظ شخص و شمار با مفعول مطابقت دارد؛ البته

۳۲- همان‌طور که قبلاً گفته شد، مطابقه تنها یک روش بازنمایی نقش دستوری است. توالی سازه‌ای و حالت‌نمایی صرفی دو ابزار دیگر هستند که موضوع مطالعه حاضر نیستند.

۳۳- این موقعیت‌ها به‌طور عمده حالت محاوره و غیر رسمی هستند که از واژه‌بست ضمیری مفعولی استفاده می‌شود؛ از طرفی، چون کردی ایلامی زبان نوشتاری ندارد، می‌توان گفت در بیشتر مواقع بسامد جملات حاوی واژه‌بست ضمیری مفعولی از بسامد جملات فاقد این عناصر بیشتر هستند.

استفاده از این واژه‌بست‌ها برای ارجاع به مفعول اجباری نیست و می‌توان آن‌ها را حذف کرد بدون اینکه جمله نادرستی شود. جملات زیر نشان می‌دهد که پی‌بست مطابقهٔ مفعولی پس از پسوند مطابقهٔ فاعلی می‌آید و از لحاظ شخص و شمار هم در جملات زمان حال و هم گذشته با مفعول مطابقه دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت در کردی ایلامی، از مطابقه برای بازنمایی مفعول نیز استفاده می‌شود. نمونه‌های زیر مطابقهٔ واژه‌بست‌ها را با مفعول نشان می‌دهد.

۲-۲-۱- زمان گذشته

9) nas-im-æt

know-past1-P.SI³⁴-2 P.SI (obj)

می‌شناختمت. (بدون مفعول صریح)

10) nas-im-(æ)tæn

know-1P.PL-2 P.PL (obj)

می‌شناختمتان. (بدون مفعول صریح)

11) æli ketaw- æ xwæn-i-e

ali book-Def read-3 P.SI-3 P.SI (obj)

علی کتاب را خواندش.

12) æli ketaw-eil-æ xwæn-i-æn

ali book-PL-Def read-3 P.SI-3 P.PL (obj)

علی کتاب‌ها را خواندشان.

۲-۲-۲- زمان حال

13) nas-em-æt

know-1P.SI-2 P.SI (obj)

می‌شناسمت. (بدون مفعول صریح)

14) nas-em-(æ)tan

know-1P.pl-2 P.SI(obj)

می‌شناسمتان. (بدون مفعول صریح)

15) mæ ketaw-æ sen-em-e

I book-Def buy-1 P.SI-3P.SI(obj)

من کتاب را می‌خرمش.

16) mæ ketaw-eil-æ sen-em-an

I book-Pl-Def buy-1P.SI-3P.pl

من کتاب‌ها را می‌خرمشان.

نمونه بالا نشان می‌دهد که هم در حضور مفعول صریح و هم بدون حضور آن، نشانه مطابقت مفعولی آمده است، هرچند که بدون حضور مفعول صریح پی‌بست مطابقت مفعولی اجباری است؛ اما حضور مفعول صریح، وجود پی‌بست را اختیاری می‌کند؛ پرسشی که مطرح می‌شود این است که با حضور مفعول صریح، کدام حالت در کردی ایلامی غالب است؛ استفاده یا عدم استفاده از این پی‌بست‌ها برای پاسخ به این پرسش باید مطالعه مجزایی با حجم نمونه‌ای مناسب صورت گیرد. به نظر نگارنده و براساس شمّ زبانی این نویسنده، مجموعه جملات ۵-۸ در گفتار مردم فراوانی بیشتری دارد. دبیرمقدم (۱۳۹۲) با بررسی دو گویش کلهری و کرمانشاهی که به کردی ایلامی نزدیک هستند، نتیجه می‌گیرد هنگامی که مفعول صریح در جمله باشد، تمایل به استفاده از پی‌بست‌های مفعولی^{۳۵} در فعل نیست؛ اما داده‌های بالا (مثال‌های ۹-۱۶) از کردی ایلامی ناقض این نتیجه‌گیری است. برعکس، تمایل غالب به استفاده از پی‌بست‌های مفعولی و با حضور مفعول (به‌ویژه در افعال زمان گذشته) است.

همچنان‌که در تعریف فاعل گفته شد که آن گروه اسمی که در انطباق با پسوندهای متصل فاعلی است؛ در مورد مفعول نیز می‌توان گفت که آن گروه اسمی که به‌وسیله واژه‌بست ضمیری مفعولی مورد اشاره قرار می‌گیرد مفعول است؛ بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در کردی ایلامی برای بازنمایی نقش‌های دستوری فاعل و مفعول از مطابقت بهره گرفته می‌شود و دیگر اینکه کردی ایلامی هم دارای نظام مطابقت فاعلی است و هم مفعولی. در ادامه، پسوندهای فاعلی و پی‌بست‌های مفعولی در کردی ایلامی که برای بازنمایی نقش‌های دستوری به‌ترتیب فاعل و مفعول به‌کار می‌روند، ارائه می‌شوند.

۲-۳-۲- پسوندهای^{۳۶} مطابقت فاعلی

پسوندهای مطابقت فاعلی در کردی ایلامی عبارتند از:

۳۵- چون این عناصر به‌منزله پی‌بست ملکی نیز استفاده می‌شوند، لذا دبیرمقدم (۱۳۹۲) از اصطلاح پی‌بست‌های غیر فاعلی استفاده می‌کند. در پژوهش حاضر چون تنها به نقش این پی‌بست‌ها در مطابقت پرداخته شده است، لذا از اصطلاح واژه‌بست (پی‌بست) مطابقت مفعولی برای اشاره به آن‌ها استفاده می‌شود.

۳۶- این عناصر زبانی با اسم‌های متعددی مورد اشاره قرار می‌گیرند. دبیرمقدم (۱۳۹۲) آن‌ها را در کردی جنوبی، پسوند فاعلی و پی‌بست مفعولی می‌خواند و آن‌ها را نشانه مطابقت می‌داند. گیون (۲۰۰۴) آن‌ها را وندهای ضمیری می‌نامد. دیگران از عبارات شناسه، وند ضمیری، ضمائر متصل (فاعلی و مفعولی)، واژه‌بست و... برای نام‌گذاری آن‌ها استفاده می‌کنند. در رویکرد حاضر همانند دبیرمقدم (۱۳۹۲) از اصطلاح پسوندهای مطابقت فاعلی و پی‌بست‌های مطابقت مفعولی برای اشاره به این عناصر زبانی استفاده می‌شود.

جدول (۱). پسوندهای مطابقه فاعلی در کردی ایلامی

شمار	شخص	زمان حال / آینده	زمان گذشته
	۱	- Øm	- i/Øm
مفرد	۲	-i	-i
	۳	-e	-Ø/i
	۱	- im	- im
جمع	۲	- in	- in
	۳	- Øn	- Øn

همچنانکه مشاهده می‌شود، فقط در اول شخص و سوم شخص مفرد بین زمان حال و گذشته تفاوت وجود دارد و در بقیه موارد، این زبان برای ارجاع به فاعل در زمان گذشته و حال از صورت‌های یکسانی استفاده می‌کند.

۲-۲-۴- پی‌بست‌های ضمیری مفعولی

جدول (۲). پی‌بست‌های مطابقه مفعولی در کردی ایلامی

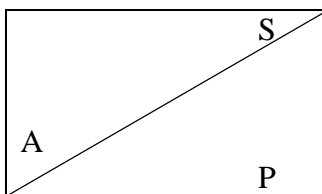
شمار	شخص	زمان حال / آینده	زمان گذشته
	۱	- æm	- æm
مفرد	۲	-æt	- æt
	۳	-e	-e
	۱	- man	- man
جمع	۲	- tan	- tan
	۳	- (y) an	- (y) an

در کردی ایلامی، پی‌بست‌های مطابقه مفعولی در زمان حال و گذشته یکسان هستند.

۲-۳- مطابقه و زمان / گذرایی در کردی ایلامی

نظام مطابقه متأثر از زمان و گذرایی است اما در مثال‌های بالا، از کردی ایلامی مشاهده شد که گذرایی و زمان، تأثیری در نظام مطابقه ندارند. در زبان‌های مورد اشاره بالا، مفعول در حالت فاعلی (مستقیم) است و فعل متعدی در زمان گذشته با مفعول مطابقه می‌کند. این زبان‌ها را در اصطلاح زبان‌های کنایی می‌نامند. دبیرمقدم (۱۳۹۲) با بررسی گویش‌های کردی بانه و کردی سنندجی نتیجه می‌گیرد که نظام مطابقه در این گویش‌ها متأثر از زمان و گذرایی جملات است. در کردی ایلامی فاعل لازم و فاعل متعدی فارغ از عوامل دیگر مانند زمان مبنای مطابقه با فعل هستند و فعل در هر صورت با آن‌ها از لحاظ

شخص و شمار انطباق دارد؛ بنابراین، حالت زیر برگرفته از نظام پنج‌گانه حالت‌دهی کامری (۱۹۸۹) در کردی ایلامی حاکم است.^{۳۷}



نمودار (۱). الگوی انطباق فاعلی / مفعولی

این نمودار نشان می‌دهد که نظام مطابقه در کردی ایلامی فاعلی / مفعولی است؛ به عبارت دیگر، کردی ایلامی دارای نظام دوگانه زمان - محور نیست و در همه بخش‌های دستور از الگوی انطباق فاعلی - مفعولی استفاده می‌کند. عامل اصلی اثبات این ادعا نیز شیوه مطابقه با فاعل در جملات متعدی و لازم است؛ البته در برخی زبان‌ها عوامل دیگری (به غیر از زمان و گذرایی) بر روی مطابقه تأثیرگذار هستند که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها درباره زبان کردی ایلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۴- بررسی عوامل مؤثر بر نظام مطابقه در کردی ایلامی

۲-۴-۱- جهت و مطابقه

همان‌گونه که در قسمت قبلی اشاره شد، نظام مطابقه در کردی ایلامی متأثر از زمان و گذرایی نبود. گیون (۲۰۰۴) عوامل دیگری را در نظام حالت‌دهی و مطابقه دخیل می‌داند که در اینجا به صورت خلاصه با داده‌هایی از کردی ایلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند. نخست وضعیت مطابقه در جملات معلوم و مجهول بررسی می‌شود.

۲-۴-۲- معلوم

- 17) æli ketaw-æ xwæn-i
ali book-Def read-3 P.SI
علی کتاب را خواند.
- 18) æli ketaw-eil-æ xwæn-i
ali book-PI-Def read-3 P.SI
علی کتاب‌ها را خواند.

۳۷- البته نمودار بالا بیان‌گر نظام مطابقه در کردی ایلامی است و گرنه از لحاظ صرفی فاعل فعل لازم و متعدی و همچنین مفعول فعل متعدی فاقد نشانه خاصی هستند. هرچند که نشانه معرفه در کردی ایلامی در بیشتر مواقع همراه مفعول می‌آید، ولی نمونه‌هایی هم هستند که مفعول فاقد این نشانه است؛ بنابراین، می‌توان گفت در سطح صرفی در کردی ایلامی نقش‌های دستوری فاقد حالت‌نمای صرفی هستند (خشی).

- 19) ketaw-æ xwæn-i-ya
 book-Def read-3 P.SI-passive

کتاب خوانده شد.

- 20) ketaw-eil-æ xwæn-ya-(a)n
 book-Pl-Def read-passive-3 P.Pl

کتاب‌ها خوانده شدند.

داده‌های بالا نشان می‌دهند که جهت جمله تأثیری در مطابقه ندارد؛ هم در جملات مجهول و هم در جملات معلوم، فعل از لحاظ شخص و شمار با فاعل مطابقه دارد. شمار مفعول تأثیری در مطابقه با فاعل نداشته است. در صورتی که این عامل در برخی زبان‌ها مانند زبان نزیپسه منجر به صورت‌بندی‌های متفاوتی شده است (گیون، ۲۰۰۴). در این زبان، جملات لازم و مجهول به صورت فاعلی - مفعولی صورت‌بندی شده‌اند، در حالی که جملات متعدی به صورت کنایی مطلق.

۲-۵- مطابقه و نقش‌های معنایی

در برخی زبان‌ها فارغ از گذرایی فعل، نقش‌های دستوری متأثر از نقش معنایی است؛ بنابراین، بسته به اینکه فاعل عامل باشد یا تجربه‌گر^{۳۸}، این عامل منجر به صورت‌بندی‌های صرفی متفاوتی می‌شود و گاهی نیز بر روی نظام مطابقه تأثیرگذار است (گیون، ۲۰۰۴)؛ اما در کردی ایلامی، فاعل فارغ از هر نقش معنایی مبنای مطابقه فعلی است و نشانه مطابقه فعلی از لحاظ شخص و شمار با آن منطبق است:

۲-۵-۱- فاعل عامل^{۳۹}

- 21) æli ketaw-æ de-xwæn-i
 ali book-Def progr-ead-3 SI

علی کتاب را می‌خواند.

- 22) æli ha-t- Ø
 ali come-Past-3P.SI

علی آمد.

۲-۵-۲- فاعل تجربه‌گر^{۴۰}

- 23) mæ aw kor-æ niæ-nas-Øm
 I that boy-Def neg-know-3P.SI

من آن پسر را نمی‌شناسم.

38. dative

39. agent

40. experiencer

- 24) tæ mæ di-d
you me see-2P.SI

تو من را دیدی.

۲-۵-۳- فاعل علت^{۴۱}

- 25) wæ mæl-æ rəʔman-Ø
Wind house-Def destroy-3P.SI

باد خانه را خراب کرد.

۲-۵-۴- فاعل کنش‌پذیر^{۴۲}

- 26) shishæ-(g)æ shek-ya-Ø
glass-Def break-passive-3 P.SI

شیشه شکست.

- 27) shishæ-eil-æ shek-ya-an
glass-Pl-Def break-Passive-3P.Pl

شیشه‌ها شکستند.

همچنان‌که در مثال‌های بالا مشاهده می‌شود، پسوند فاعلی با فاعل جمله فارغ از نقش معنایی آن، هم در زمان حال و هم در زمان گذشته و همچنین در جملات لازم و متعدی مطابقه می‌کند؛ بنابراین، نقش‌های معنایی فاعل در کردی ایلامی بر روی نظام مطابقه فاعلی تأثیرگذار نیست.

مفعول نیز می‌تواند نقش‌های معنایی متفاوتی داشته باشد. همچنان‌که قبلاً ذکر شد، نشانه مطابقه با مفعول با حضور مفعول صریح به صورت اختیاری نمود می‌یابد. در مثال‌های زیر بررسی خواهیم کرد که آیا نقش معنایی مفعول صریح در نحوه مطابقه پی‌بست‌های مفعولی با آن تأثیری دارند یا خیر. برخی از این نقش‌ها عبارتند از:

۲-۵-۵- مفعول کنش‌پذیر

- 28) mæ pul-æ di-m-e-ow
I money-Def find-1P.SI-3 P.SI (obj)

من پول را پیداش کردم.

- 29) mæ ketaw-eil-æ sæn-em-an
I book-Pl-Def buy-1 P.SI-3P.Pl (obj)

من کتاب‌ها را خریدمشان.

41. cause

42. patient

30)	mæ	kif-æ	gom-e	kerd-em
	I	bag- Def	lose-3P.SI (obj)	do-1P.SI

من کیف را گمش کردم.

۲-۵-۶- مفعول تجربه‌گر

31)	mæ	ow-æ	niæ-nas-Əm	
	I	him/her-Def	Neg-know-1P.SI	

من او را نمی‌شناسم.

32)	mæ	owan-æ	niæ-nas-Əm	
	I	them-Def	Neg-know-1P. SI	

من آنها را نمی‌شناسم.

33)	mæ	ow-æ	niæ-nas-Əm-e	
	I	him/her-Def	Neg-know-1P.SI- 3 P.SI(obj)	

من او را نمی‌شناسمش.

34)	mæ	owan-æ	niæ-nas-Əm-an	
	I	them- Def	Neg-know-1P.SI-3P.Pl (obj)	

من آنها را نمی‌شناسمشان.

مثال‌های بالا نشان می‌دهند که نشانه مطابقه مفعولی فارغ از نقش معنایی گروه اسمی مفعول و با حضور/ بدون حضور مفعول در فعل ظاهر می‌شود. اگرچه نقش‌های معنایی مختلف فاعل و مفعول در کردی ایلامی نقشی در نحوه مطابقه ندارند، اما در زبان‌های دیگر ممکن است این عامل در مطابقه و حالت نمایی منعکس شود. زبان چیکاسا نمونه‌ای از این زبان‌هاست (مونرو و گوردون^{۴۳}، ۱۹۸۲). در این زبان، تمایز سه‌گانه‌ای بین عامل، کنش‌پذیر و تجربه‌گر وجود دارد. هرکدام از این سه نقش معنایی به‌وسیله وندهای خاصی بر روی فعل نمود می‌یابند (مونرو و گوردون، ۱۹۸۲). این تمایز در برخی زبان‌ها دوگانه است و به‌صورت عامل / غیرعامل در مطابقه تأثیرگذار است. نمونه دیگر، زبان نیپالی است که دارای نظام حالت نمایی دوگانه است. در این زبان فارغ از گذرایی افعال، اگر فاعل بیشتر عاملی باشد به‌صورت کنایی (هم در جملات لازم و هم متعدی) و اگر کمتر عاملی^{۴۴} باشد به‌صورت فاعلی (اسمی) نمود می‌یابد (گیون، ۲۰۰۴).

43. P. Munro & M. Gordon

44. agentive

۶-۲- مطابقه و معرفگی / نکرگی

۱-۶-۲- فاعل

۱-۱-۶-۲- نکره

35) dwæt-e ha-t- Ø
girl-Indef come-Past-3P.SI
دختری آمد.

36) dwæt-eil-e ha-t-Θn
girl-Pl-Indef come-Past-3P.PI
دخترهایی آمدند.

۲-۱-۶-۲- معرفه

37) dwæt-æ ha-t- Ø
girl-Def come-Past-3P.SI
دختره آمد.

38) dwæt-eil-æ ha-t-Θn
girl-Pl-Def come-Past-3P.PI
دخترها آمدند.

فاعل جمله‌های (۳۵) و (۳۶) نکره است که واژه‌بست‌های ضمیری فاعلی از لحاظ شخص و شمار با آن‌ها مطابقه دارند. به‌همین ترتیب فاعل جملات (۳۷) و (۳۸) معرفه است و ضمائر فاعلی با آن‌ها در انطباق هستند؛ بنابراین، معرفگی / نکرگی عامل تأثیرگذاری در مطابقه فاعلی نیست. ترجمه‌های فارسی جملات کردی ایلامی نیز نشان می‌دهد در فارسی نیز معرفگی / نکرگی عامل تأثیرگذاری در مطابقه فاعلی نیست؛ اما در برخی زبان‌ها که نظام صرفی کنایی گسسته دارند، این عامل منجر به صورت‌بندی‌های زبانی متفاوتی می‌شود؛ برای مثال، در زبان نژپرسه، فاعل نکره جملات متعدی دارای حالت غیر مستقیم است (کنایی / مطلق) و مبنای مطابقه نیست، درحالی‌که فاعل معرفه جملات متعدی دارای حالت مستقیم است (فاعلی / مفعولی) و فعل با آن مطابقه می‌کند (سیلورشتین^۵، ۱۹۷۶). اکنون نحوه مطابقه واژه‌بست‌های متصل مفعولی در کردی ایلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۶-۲- مفعول

۱-۲-۶-۲- مفعول نکره / واژه‌بست مفعولی

39) *bowg- Θm mal-e sæn-Ø-e

father-Poss house-Indef buy-1 P.SI(obj)

پدرم خانه‌ای خریدش.

40) *bowg- Øm mal-eil-e sæn- Ø-an
father-Indef house-Pl-Indef buy-1 P.SI- 3 P.Pl(obj)

پدرم خانه‌هایی خریدشان.

۲-۲-۶-۲- مفعول معرفه / واژه بست مفعولی

41) bowg-Øm mal-æ sæn-Ø-e
father-Poss house-Def buy-1 P.SI-3 P.SI(obj)

پدرم خانه را خریدش.

42) bowg-Øm mal-eilæ sæn-Ø-an
father-Poss house-Pl-Def buy-1 P.SI-3 P.Pl(obj)

پدرم خانه‌ها را خریدشون.

ناستوری بودن جملات (۳۹) و (۴۰) و دستوری بودن جملات (۴۱) و (۴۲) مؤید این است که نشانه مطابقه مفعولی فقط می‌تواند با مفعول معرفه مطابقه کند. در صورتی که مفعول نکره باشد، واژه بست ضمیری نمی‌تواند با آن مطابقه کند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عامل معرفگی / نکره‌گی در نحوه مطابقه پسوندهای ضمیری فاعلی بی‌تأثیر است، در حالی که در نحوه مطابقه واژه‌بست‌های مفعولی عاملی تأثیرگذار است. نکته دیگر اینکه در مثال‌های بالا، هم مفعول‌های نکره و هم معرفه ارجاعی بودند. در ادامه رابطه ارجاعی / غیر ارجاعی بودن نقش‌های دستوری با مطابقه بررسی می‌شود.

۲-۷-۷- مطابقه و ارجاعی / غیر ارجاعی بودن فاعل و مفعول

۲-۷-۱- فاعل ارجاعی

مثال‌های زیر مطابقه پسوندهای ضمیری با فاعل ارجاعی در کردی ایلامی را نشان می‌دهد.

43) owan-æ ha-t-Øn
they-Def come-Past-3 P.Pl

آنها آمدند.

44) ali xæf-t- Ø
ali sleep-Past-3 P.SI

علی خوابید.

45) bach-eil- axæf-t- Øn
child-Pl-Def sleep-Past- 3 P.Pl

بچه‌ها خوابیدند.

۲-۷-۲- فاعل غیر ارجاعی

- 46) mælücheg bal ger-e
bird fly-3 P.SI
پرنده پرواز می‌کند.
- 47) mælücheg-eil bal ger- Øn
bird-Pl fly-3 P.Pl
پرنده‌ها پرواز می‌کنند.
- 48) pjag zialege njæ-chu-Ø/(d)
man fear neg-go-3 P.SI
مرد نمی‌ترسد.

این مثال‌ها نشان می‌دهند که پسوندهای فاعلی فارغ از ارجاعی / غیر ارجاعی بودن فاعل، با آن از لحاظ شخص و شمار مطابقت می‌کند. مثال‌های زیر همین موضوع را دربارهٔ مفعول بررسی می‌کنند. افزون بر مفعول‌های نکره، مفعول‌های غیر ارجاعی نیز نمی‌توانند مبنای مطابقت پی‌بست ضمیری مفعولی قرار گیرند.

۲-۷-۳- مفعول غیر ارجاعی

- 49) *æli ketaw sæn-Ø- e
ali book buy-1 P.SI-3 P.SI(obj)
علی کتاب خریدش.
- 50) *æli ketaw-eil sæn- Ø- an
ali book-Pl buy-3 P.SI-3 P.Pl(obj)
علی کتاب‌ها خریدشون.
- 51) *bayæd pomade be-sen- Ø- e
must ointment Subj-buy-3 P.SI-3 P.SI(obj)
باید پماد بخردش.

۲-۷-۴- مفعول ارجاعی

- 52) æli ketaw-æ sæn- Ø- e
ali book-Def buy-1 P.SI-3 P.SI(obj)
علی کتاب را خریدش.
- 53) æli ketaw-eil-æ sæn- Ø- an
ali book-Pl-Def buy-3 P.SI-3 P.Pl(obj)
علی کتاب‌ها را خریدشان.
- 54) mæ ow kor-eil-æ di-m-an

I that boy-PI-Def see-1 P.SI-3 P.PI(obj)

من آن پسرها را دیدمشان.

در مثال‌های (۴۹) تا (۵۱) مفعول، غیر ارجاعی است، لذا نمی‌تواند مبنای مطابقه پی‌بست مفعولی باشد؛ به‌همین دلیل، این سه جمله همگی نادرستی هستند؛ اما اگر مفعول ارجاعی باشد (مثال‌های ۵۲-۵۴)، جملات حاصل در کردی ایلامی دستوری خواهند بود؛ بنابراین، درحالی‌که عامل ارجاعی / غیر ارجاعی بودن فاعل مانعی برای مطابقه با آن نیست، اما این عامل برای مطابقه واژه‌بست با مفعول‌های غیر ارجاعی محدودیت ایجاد می‌کند. واژه‌بست مفعولی فقط با مفعول ارجاعی مطابقه می‌کند. گیون (۲۰۰۴) با بررسی زبان‌هایی نظیر یوتا نتیجه می‌گیرد که عامل ارجاعی / غیر ارجاعی بودن فاعل و مفعول منجر به صورت‌بندی‌های زبانی متفاوتی می‌شود. همچنان‌که مشاهده شد، این عامل در ارتباط با مطابقه مفعولی در کردی ایلامی باعث ایجاد محدودیت شد. انجام پژوهش‌های بین - زبانی به‌منظور بررسی این محدودیت به پژوهش‌گران توصیه می‌شود.

۸-۲- مطابقه و انضمام مفعول

در کردی ایلامی همانند فارسی، مفعول می‌تواند در فعل انضمام یابد.

55) ow kor-æ ketaw-æ sæn- Ø
that boy-Def book-Def buy-3 P.SI

آن پسر کتاب را خرید.

56) ow kor-æ ketaw sæn-Ø
that boy-Def book buy-3 P.SI

آن پسر کتاب خرید.

کتاب در جمله (۵۵) مفعول مستقیم است که با ازدست‌دادن نشانه معرفگی در مثال (۲)، در فعل انضمام یافته است. در هر دو جمله Ø نشانه مطابقه فاعلی است که به فاعل ارجاع می‌دهد و از لحاظ شخص و شمار با آن مطابقه می‌کند. اگر مفعول به وسیله واژه‌بست ضمیری مفعولی مورد اشاره قرار گیرد، تنها در حالت غیر انضمامی، جمله حاصل در کردی ایلامی دستوری است:

57) ow kor-æ ketaw-æ sæn-Ø- e
that boy-Def boy-Def- buy-3 P.SI-3 P.SI(obj)

آن پسر کتاب را خریدش.

58) *ow kor-æ ketaw sæn- Ø-e
that boy-Def book buy-3 P.SI-3 P.SI(obj)

آن پسر کتاب خریدش.

نادستوری بودن جمله (۵۸) مؤید این است که (برخلاف ترجمه فارسی که دستوری است)، در کردی ایلامی سازه انضمام یافته نمی‌تواند مبنای مطابقه واژه‌بست مفعولی باشد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فرایند انضمام برای نظام مطابقه کردی ایلامی دارای پیامد است. در زبان‌های دیگر نیز این فرایند ممکن است دارای پیامدهای صرفی، معنایی، واجی و نحوی باشد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲). گیون (۲۰۰۴) از زبان یوته شاهدهی ذکر می‌کند که انضمام منجر به صورت‌بندی نحوی متفاوتی شده است. بدین ترتیب که در ساخت‌های نحوی غیر انضمامی، توالی کلمات به صورت فعل + مفعول است، در حالی که در ساخت معادل انضمامی، شاهد توالی مفعول + فعل هستیم.

۲-۹- مطابقه و مبتدا بودگی

مبتدا نقشی کاربردشناختی است که بر پایه ملاحظات کلامی مشخص می‌شود. به عبارتی، مبتدا موضوعی درون‌بندی^{۴۶} نیست (گیون، ۲۰۰۴)؛ اما این ویژگی کلامی در درون جمله دستوری^{۴۷} می‌شود؛ بنابراین، مبتدا به منزله یک موضوع، می‌تواند در جملات به صورت نقش‌های دستوری بازنمایی شود. تعیین مبتدا در کلام و میزان آشنایی ما با آن صورت می‌پذیرد. در برخی زبان‌ها، مبتدا بودگی نقش‌های دستوری منجر به صورت‌بندی نحوی و صرفی و نوایی متفاوتی می‌شود. گوهری (۱۳۹۲) معتقد است مصادیق مبتدایی از لحاظ نحوی به طور عمده با جایگاه نهاد منطبق می‌شوند و از لحاظ صرفی با صورت‌های زبانی ضعیف مانند ضمائر بازنمایی می‌شوند؛ و در نهایت، از لحاظ نوایی به صورت فاقد تکیه نمود می‌یابند.

۲-۹-۱- فاعل مبتدایی

59) a. ow	kor-eil-æ	chæ	xwar- d- Ən
that	boy-Pl-Def	what	eat-Past-3 P.Pl
	آن پسرها چی خوردن؟		
b. Ø/(kor-eil-æ)	gæza	xwar- d- Ən	
boy-Pl-Def	food	eat- Past-3 P.Pl	
	Ø / آن‌ها غذا خوردن.		

۲-۹-۲- فاعل غیر مبتدایی

60) a. ki	e	gæza	xwar- d- Ø?
who	that	food	eat-Past-3 P.Sl

46. Inter-clausal

47. Grammaticalized

کی این غذا را خورد؟

b. kor-eil-æ (gæzæ-(g)æ) xwar-d-Θn
 boy-Pl-Def food-Def eat-Past-3 P.Pl

پسرها (این غذا را) خوردن.

فاعل جمله (b ۵۹) مبتدایی و فاعل جمله (b ۶۰) غیر مبتدایی هستند، مشاهده می‌شود که صرف نظر از مبتدا/ غیر مبتدایی فاعل، (Θn -) به منزلهٔ واژه‌بست مطابقه از لحاظ شخص و شمار با فاعل هم‌خوانی دارد؛ بنابراین، این عامل در مطابقهٔ فاعلی تأثیرگذار نبوده است.

۲-۹-۳- مفعول مبتدایی

در مثال (b ۶۰) مفعول به واسطهٔ اینکه در جملهٔ قبل آمده است، لذا مبتدایی محسوب می‌شود؛ به همین خاطر می‌تواند حتی حذف شود و در صورت حضور واژه‌بست مفعولی (سوّم‌شخص مفرد)، جمله حاصل دستوری خواهد بود.

61) kor-eil-æ Ø/ (gæzæ- (g)æ) xwar-d-Θn-e
 boy-Pl-Def food-Def eat-Past-3 P.Pl-3 P.SI(obj)

پسرها (غذا را) خوردنش.

۲-۶-۴- مفعول غیر مبتدایی

در مثال (b ۵۹) مفعول *gæza* به خاطر اینکه در بافت قبلی نیامده و مورد پرسش قرار گرفته است، لذا غیر مبتدایی محسوب می‌شود و بنابراین غیر قابل حذف است. حضور واژه‌بست مفعولی منجر به نادستوری شدن جمله می‌شود:

62) *(kor-eil-æ) gæzæ xwar-d-Θn-e
 boy-Pl-Def food eat-Past-3 P.Pl-3 P.Pl(obj)

پسرها غذا خوردنش.

در این جمله فاعل مبتدایی است؛ بنابراین، هم می‌تواند حذف شود، هم حضور داشته باشد. Θn به عنوان نشانهٔ مطابقه از لحاظ شخص و شمار با آن در انطباق است. علت نادستوری بودن این جمله ارجاع [-e] به عنوان نشانهٔ مطابقهٔ مفعولی به سازهٔ غیر مبتدایی است؛ بنابراین، افزون بر دو محدودیت ارجاعی بودن و معرفگی، می‌توان مبتدایی بودن را نیز به شروط ارجاع واژه‌بست‌های مفعولی اضافه کرد؛ بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در کردی ایلامی، مبتدایی در نظام مطابقهٔ فاعلی اثرگذار نیست، ولی در نحوهٔ ارجاع واژه‌بست‌های مفعولی به مفعول محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند. این عامل

در زبان‌های دیگر نیز دارای پیامدهایی برای نظام حالت و مطابقه است. گیون (۲۰۰۴) زبان تیمبه^{۴۸} را مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که فاعل جملات لازم اگر مبتدایی باشد، همانند فاعل جملات متعدی به صورت کنایی ظاهر می‌شود، ولی اگر تداوم نداشته باشد (مبتدایی نباشد)، به صورت متمم (مطلق) نمود می‌یابد؛ لذا می‌تواند مبنای مطابقه با فعل قرار گیرد؛ البته این یافته بیشتر مربوط به حالت‌دهی است ولی می‌تواند به عنوان سندی مورد استناد قرار گیرد که مبتدایی بودن فاعل و مفعول می‌تواند منجر به صورت‌بندی‌های زبانی متفاوتی شود (چنان‌که داده‌های کردی ایلامی درباره مطابقه این موضوع را نشان داد).

۲-۱۰-۱- مطابقه و نمود (کامل، ناقص)

۲-۱۰-۱- نمود کامل

63) pjag-æ kətaw-æ sæn-Ø
man-Def book-Def buy-3 P.SI

(آن مرد کتاب را خرید.)

64) pjag-æ kətaw-æ sen-e (d)
man-Def book-Def buy-3 P.SI

(آن مرد کتاب را می‌خرد.)

۲-۱۰-۲- نمود ناقص

65) pjag-æ dašt kətaw-æ⁴⁹ de-sæn-Ø
man-Def was book-Def prog-buy-3 P.SI

(آن مرد داشت کتاب را می‌خرد.)

66) pjag-æ dere kətaw-æ sen-e (d)
man-Def is book-Def buy-3 P.SI

(آن مرد دارد کتاب را می‌خرد.)

این مثال‌ها نشان می‌دهند که مطابقه واژه‌بست‌ها با فاعل نسبت به نمود کامل و ناقص حساس نیست و در هر صورت این واژه‌بست‌ها با فاعل از لحاظ شخص و شمار مطابقه دارند. در مورد واژه‌بست‌های مفعولی باید گفت که در جملات بالا می‌توان واژه‌بست مفعولی اضافه کرد. بدون اینکه جملات نادرستی شوند، ولی اگر مفعول در این جملات به صورت غیر ارجاعی و نکره باشد، حضور واژه‌بست مفعولی باعث نادرستی شدن آن‌ها می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نمود تأییدی در

48. Timbe

۴۹- افزون بر فعل کمکی داشتن، کردی ایلامی برای بیان استمرار از پیشوند صرفی /de-/ در زمان گذشته استفاده می‌کند.

مطابقه (فاعلی و مفعولی) در کردی ایلامی ندارد. هرچند این عامل در زبان‌های دیگر می‌تواند بر روی حالت‌دهی و مطابقه تأثیرگذار باشد. در زبان شریپا^{۵۰} که زبانی تبتی است، فاعل در جملات کامل به صورت غیر مستقیم، اما در جملات استمراری به صورت مستقیم (فاعلی - مفعولی) نمود می‌یابد (گیون، ۲۰۰۴).

۳- میزبان نشانه‌های مطابقه فاعلی و مفعولی

در زبان‌های ایرانی به‌ویژه زبان‌هایی که دارای نظام کنایی هستند؛ مانند کردی، تاتی و... افزون بر فعل، عناصر زبانی دیگری همانند اسم، ضمیر، قید، پرسش‌واژه‌ها و... می‌توانند میزبان این واژه‌بست‌ها باشند؛ برای مثال، در گویش کاخکی، واژه پرسشی، ضمیر منفصل شخصی، گروه اسمی بدون/ بار، عنصر نفی، حرف ربط، قید، ضمیر اشاره و... می‌توانند میزبان این واژه‌بست‌ها باشند (شریفی و زمردیان، ۱۳۷۸).

دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۶۹۶) در مورد میزبان واژه‌بست‌های غیر فاعلی در کردی بانه و سنندج معتقد است که این دو گویش از جایگاه واگرنالگ تبعیت نمی‌کنند. او می‌گوید که این عنصر زبانی که همیشه به صورت پی‌بست است، بر روی اولین سازه حاضر در گروه اسمی ظاهر می‌شود. سازه‌هایی مانند مفعول صریح، بخش غیر فعلی فعل مرکب، نشانه نمود ناقص، پیشوند نفی، ستاک گذشته فعل، پسوند اسم مفعول‌ساز و... می‌توانند میزبان واژه‌بست فاعلی باشند.

کریمی (۱۳۹۱) در مورد جایگاه واژه‌بست‌های ضمیری دو الگو را در زبان‌های کنایی ایرانی پیشنهاد می‌کند. در الگوی اول، واژه‌بست ضمیر بر روی فعل ظاهر می‌شود و فعل از لحاظ مشخصه‌های شخص، شمار و جنس با مفعول مطابقه می‌کند. زبان‌های کردی شمالی، بلوچی و تاتی کرینی این‌گونه هستند. الگوی دوم شامل زبان‌هایی مانند دشتی، لارستانی، کردی مرکزی، تاتی دروی و... هستند که در آن‌ها فاعل به صورت اجباری با یک واژه‌بست غیر فاعلی مضاعف‌سازی می‌شود. این واژه‌بست بر روی مفعول نمود می‌یابد.

همان‌طور که در تحلیل داده‌های کردی ایلامی مشاهده شد، در تمامی موارد، افعال ساده میزبان پسوند‌های فاعلی و واژه‌بست‌های مفعولی هستند؛ بدین ترتیب که ابتدا پسوند مطابقه فاعلی ظاهر می‌شود و سپس پی‌بست مطابقه مفعولی؛ اما در افعال مرکب کردی ایلامی، پسوند فاعلی بر روی جزء

فعلی می‌ماند، ولی پی‌بست مطابقت مفعولی بر روی جزء غیر فعلی فعل مرکب ظاهر می‌شود.^{۵۱}

67) kəl-əm kərd-Ø
send-1 P.SI(obj) do-3 P.SI

فرستاد من را (فرستادم).

68) kəl-ət kərd-Ø
send-2 P.SI(obj) do-3 P.SI

فرستاد تو را (فرستادت).

69) kəl-e kərd-Ø
send-3 P.SI(obj) do-3 P.SI

فرستاد آن را (فرستادش).

70) təmasha-m kərd-Ø
watch-1 P.SI(obj) do-3 P.SI

تماشام کرد.

71) təmasha-t kərd-Ø
watch-2 P.SI(obj) do-3 P.SI

تماشات کرد.

72) təmasha-e kərd-Ø
watch-3 P.SI(obj) do-3 P.SI

تماشاش کرد.

۴- نتیجه‌گیری

با بررسی مطابقت و عوامل مؤثر بر آن در کردی ایلامی معلوم شد که در این زبان، نظام مطابقت فاعلی - مفعولی است که نسبت به عوامل گذرایی و زمان حساس نیست؛ به عبارت دیگر، عامل لازم / متعدی بودن فعل و همچنین عامل زمان یعنی گذشته / غیر گذشته بودن تأثیری روی مطابقت فاعل با فعل ندارند. در هر یک از این حالت‌ها، فعل جمله با فاعل فارغ از زمان و گذرایی مطابقت می‌کند؛ بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که در کردی ایلامی مطابقت نقش مهمی در بازنمایی فاعل دارد.

۵۱- همین تفاوت در رفتار این دو عنصر زبانی می‌تواند دلیلی باشد که چرا ضمائر متصل فاعلی را پسوند و ضمائر متصل مفعولی را واژه‌بست (پی‌بست) می‌نامند. تفاوت عمده بین وند و واژه‌بست این است که میزبان وند مقوله مشخصی است و اصولاً وندا از این نظر حساس هستند، درحالی‌که واژه‌بست‌ها می‌توانند میزبان‌های متفاوتی داشته باشند. تفاوت دیگر این دو عنصر زبانی این است که ونداها به هسته نزدیک‌تر هستند تا واژه‌بست‌ها. همان‌طور که در مثال‌های بالا مشاهده می‌شود، داده‌های کردی ایلامی این موضوع را تأیید می‌کند.

یافته دیگر پژوهش حاضر این بود که در کردی ایلامی اگرچه از مطابقه برای بازنمایی مفعول نیز بهره گرفته می‌شود، ولی این شیوه اختیاری است، هرچند جملاتی که حاوی واژه‌بست‌های مفعولی (نشانه مطابقه) هستند بسامد بالایی دارند.

عامل دیگری که در ارتباط با نقش‌های معنایی مورد بررسی قرار گرفت، تأثیر نقش‌های معنایی بر روی نظام مطابقه در کردی ایلامی بود. نتایج نشان داد که در کردی ایلامی، نقش‌های معنایی مختلف فاعل، تأثیری بر نحوه مطابقه وندهای مطابقه ضمیری با فاعل ندارند و اصولاً فارغ از نقش معنایی فاعل، وندهای مطابقه با فاعل از لحاظ شخص و شمار مطابقه می‌کنند. به‌همین ترتیب، مطابقه واژه‌بست ضمیری مفعولی با مفعول نیز نسبت به نقش‌های معنایی مفعول حساس نیست. عامل دیگر مورد بررسی، ارتباط نظام مطابقه در کردی ایلامی با عامل معرفگی / نکرگی است. نتایج این پژوهش نشان داد که مطابقه واژه‌بست ضمیری مفعولی با مفعول، متأثر از عامل معرفگی / نکرگی است.

در کردی ایلامی، این عناصر تنها با مفعول معرفه می‌توانند مطابقه داشته باشند؛ اما مطابقه واژه‌بست فاعل متأثر از این عامل نیست؛ واژه‌بست‌های ضمیری فاعلی هم می‌توانند به فاعل معرفه و هم به فاعل نکره ارجاع دهند (مطابقه داشته باشند). محدودیت دیگر در مطابقه واژه‌بست ضمیری مفعولی با مفعول‌های انضمام یافته است. این مفعول‌ها (انضمام یافته) نمی‌توانند مبنای مطابقه قرار گیرد. علت این امر، این است که عناصر انضمام یافته، غیر ارجاعی می‌شوند، لذا نمی‌توانند مبنای مطابقه قرار گیرند. ارجاعی / غیر ارجاعی بودن فاعل و مفعول دارای پیامدهایی برای مطابقه واژه‌بست‌های ضمیری (فاعلی، مفعولی) است؛ درحالی‌که ارجاع وندهای فاعلی نسبت به ارجاعی / غیر ارجاعی بودن فاعل حساس نیستند، اما واژه‌بست‌های ضمیری مفعولی فقط می‌توانند با مفعول ارجاعی مطابقه داشته باشند.

مبتدایی / غیر مبتدایی بودن فاعل و مفعول نیز عامل مؤثر دیگری بر مطابقه است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که وندهای ضمیری فاعلی صرف نظر از میزان مبتدابودگی فاعل (مبتدایی / غیر مبتدایی) همواره با آن مطابقه می‌کنند؛ اما واژه‌بست‌های ضمیری مفعولی تنها می‌توانند با مفعول مبتدایی مطابقه داشته باشند؛ بنابراین، درحالی‌که مبتدابودگی در نظام مطابقه فاعلی بی‌تأثیر است، اما در نظام مطابقه مفعولی یک محدودیت محسوب می‌شود. درنهایت، رابطه مطابقه و نمود موضوع دیگری بود که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. نظام مطابقه در کردی ایلامی متأثر از نمود جمله (ناقص، کامل) نیست، هرچند در زبان‌های دیگر تأثیرگذار است. جایگاه و میزان وندهای مطابقه موضوع پایانی مورد بررسی در پژوهش حاضر بود. میزان وندهای مطابقه فاعلی

و واژه‌بست‌های مفعولی در کردی ایلامی همواره فعل است. وندهای مطابقت فاعل به فعل نزدیک‌تر هستند و با آن پیوند نزدیک‌تری دارند. واژه‌بست‌های مطابقت مفعولی پس از وندهای فاعلی قرار می‌گیرند. در افعال مرکب، جزء غیر فعلی میزبان واژه‌بست‌های مفعولی است.

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: سمت.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۵). شیوه نشان‌دادن فاعل و مفعول در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، ۲۱ (۱-۲)، ۸۵-۹۶.
- شریفی، شهلا و رضا زمردیان (۱۳۷۸). نظام مطابقت در گویش کاخکی. *مجله گویش‌شناسی (ویژه‌نامه فرهنگستان)*، ۵ (۱)، ۱۸-۲.
- کریمی، یادگار (۱۳۹۱). مطابقت در نظام کنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه‌بست و نندالف. *مجله پژوهش‌های زبانی*، ۴ (۷)، ۱۸-۱.
- گوهری، حبیب (۱۳۹۲). برخی پیامدهای نظریه ساخت اطلاع برای ترجمه. *مجله جستارهای زبانی*، ۴ (۱۳)، ۲۰۳-۲۲۴.

- Farrel, P. (2005). *Grammatical relations*. Oxford: Oxford University Press.
- Givón, T. (2004). *Syntax: A functional Typological Introduction*. Vol. I. Amsterdam: John Benjamins.
- Haig, Geoffrey, L. J. (2008). *Alignment change in Iranian languages: A Construction Grammar approach*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Keenan, E. & B. Comrie (1977). Noun Phrase Accessibility and Universal Grammar. *Linguistic Inquiry*, 8 (1), 63-99.
- Munro, P. & M. Gordon. (1982). *Chickasaw Language*. UCSB: Department of linguistic.
- Silverstein, M. (1976). *Hierarchy of Features and Ergativity in Grammatical Categories in Australian Languages*. Dixon R.M.W, 112-177.